

عنوان مقاله:

بررسی بنیادهای نظری علوم انسانی بومی در ایران

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره 23، شماره 79 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

سردار فتوحی - دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران

نعمت الله فاضلی - دکتری انسان شناسی مدرسه مطالعات شرق و آفریقا (دانشگاه لندن) و دانشیار انسان شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

خلاصه مقاله:

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی چگونگی اخذ علوم انسانی بومی در نزد متفکران ایرانی با توجه به آبخشور فکری آنان بوده است. روش: روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی بود و همچنین این پژوهش به لحاظ متغیر غایت، بنیادین نظری و از حیث ماهیت، اکتشافی-توصیفی بوده است. یافته ها: برخی از سنتهای فکری علوم انسانی از جمله سنت فوکویی، پدیدارشناسی، فرانکفورتی، هگلی و پوپری دروازه ای برای بومی کردن علوم انسانی در ایران بوده است و برخی از این سنتهای فکری (پدیدارشناسی و فوکویی) به عنوان ردیه ای برای علوم انسانی جدید، و اخذ علوم بومی بوده است. همچنین یافته ها بیانگر آن است که نقطه آغازین علوم انسانی بومی آنجاست که نظریه پردازان ایرانی متوجه انتقادهای سنت آبخشوری اشان، به سایر رویکردهای علوم انسانی بوده اند و این انتقادات را نوعی تردید و خلاهای موجود در علوم انسانی دانسته اند و دانش بومی را برای علاج و بهبود این خلاها و انتقادات مفهوم پردازی کرده اند. نتیجه گیری: امروزه علوم انسانی به حدی در سطح انضمامی و انتزاعی غلبه پیدا کرده است که حتی اگر متفکران ایرانی درصدد تحقق علوم بومی (نه علوم انسانی بومی) بوده اند، راهی جز گلاویز شدن و نقد علوم انسانی نداشته اند. متفکران ایرانی در رویکردهای خود نشان داده اند که از مجرای علوم انسانی است که می توان علوم انسانی بومی را ایجاد کرد.

کلمات کلیدی:

بومی سازی، اسلامی سازی، سهروردی، صدراپی، علوم انسانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1374978>

